

## پژوهشی درباره مفاد آیه اکمال از دیدگاه فریقین

حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان

چکیده

فریقین در پاره‌ای از نقاط پیرامون آیه اکمال اتفاق نظر دارند. نقطه اساسی اختلاف آنان در تفسیر این آیه در دو امر، زمان نزول و علت نزول آیه است. این تمایز، با بحث کلامی گسترده‌ای را در پس فریقین رقم زده است. در مصادر فریقین تنها دو دسته روایت درباره زمان نزول این آیه به چشم می‌خورد: نزول آن در حجة‌الوداع در روز عرفه و نزول آن در غدیر خم. برای جمع بین این دو دسته روایات، احتمالاً این می‌تواند ارائه کرد.

در تمام احادیث شعبی، اعم از روایاتی که دلالت بر نزول آیه در عرفه و یا در غدیر دارد، علت نزول آیه «اعلان ولایت امام علی (علیه‌السلام)» ذکر شده است. در متن احادیث اهل سنت نیز که به علت تصریح شاه، به جز در یک حدیث، علت نزول آیه «اعلان ولایت امام علی (علیه‌السلام)» است. اکثر اهل سنت که نزول آیه را در عرفه می‌دانند، برخلاف تصریح روایات درباره علت نزول آیه، وجوه متعددی احتمال داده‌اند، این وجوه با برهان سبب و تقسیم مورد نقد قرار گرفته و مخدوش شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اکمال دین، اتمام نعمت، ولایت، تفسیر فریقین

طرح مسئله

هر چند فریقین در پاره‌ای از نقاط پیرامون آیه اکمال اتفاق نظر دارند که در تفسیر آیه مؤثر است، اما آنان درباره این آیه با اهمیت که از اکمال دین، اتمام نعمت و... خبر می‌دهد، در پاره‌ای از نقاط دچار اختلاف نظرند. این جای بسی شگفتی است، چرا که این آیه از قبیل اولین آیات نازل شده بر رسول مکرم نیست که شاهد نزول آن نبوده باشند، بلکه آخرین آیه و یا از آخرین آیاتی است که بر آن حضرت نازل شده است. این امر از جهت دیگری نیز شگفت‌آور است، زیرا تعداد اندکی از صحابه زمان نزول و کیفیت آن را نقل کرده‌اند، در حالی که اهمیت موضوع آیه اقتضا دارد که انبوهی از صحابه ناقل آن باشند.

به نظر می‌رسد، نقطه اصلی تمایز در دیدگاه فریقین در دو امر نهفته است: یکی در علت نزول این آیه و دیگری در تعیین روزی که در این آیه با تعبیر «الیوم» از آن یاد شده است. این دو امر اهمیت بسزایی در مباحث کلامی و تفسیری فریقین دارند.

گذشت که فریقین در پاره‌ای از نقاط مؤثر در تفسیر آیه اتفاق نظر دارند که عبارت‌اند از:

۱. سوره مائده در زمره آخرین سوره‌ها و به اجماع فریقین مدنی است.<sup>۱</sup> و آیه اکمال به حساب استثناها نیست (که از سوره دیگری در سوره مائده قرار گرفته باشد)، بلکه از آیه اکمال می‌توان استفاده کرد که سوره مائده آخرین سوره نازل شده است.
۲. بدون تردید، آیه اکمال در حجة الوداع نازل شده است.
۳. فقره «الیوم یس الذین کفروا... رضیت لکم الاسلام دیناً» در آیه سوم سوره مائده، از بقیه اجزای آیه که درباره حکم خوردنیهاست، جداست و ارتباطی به ماقبل و مابعد خود ندارد. در این زمینه تفاوتی نمی‌کند که فقره فوق به همراه بقیه آیه نازل شده یا به دستور پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در اینجا قرار گرفته باشد. به همین دلیل، فریقین پیوسته از این فقره جداگانه بحث کرده‌اند و در روایات معصومان، صحابه و تابعین نیز به طور مستقل آمده است. شاهد این مطلب، آیه ۱۱۹ سوره انعام است که می‌فرماید: «وما لکم الا تاکلوا مما ذکر اسم الله علیه وقد فصل لکم ما حرم علیکم الا ما اضطررتم الیه...». در این آیه که پیش از سوره مائده نازل شده می‌فرماید: آنچه از خوردنیها برای شما حرام بوده، به تفصیل بیان شده است.

بررسی زمان نزول آیه

برای شناخت روز نزول این آیه می‌توان از شواهد و قرائن درونی و برونی آیه استمداد جست. ابتدا باید بر این نکته تأکید کرد که مراد از واژه «الیوم» در این آیه، بنایه قول اکثر

مفسران و شواهد روایی (که ملاحظه خواهید کرد)، دوره زمانی نیست (مانند اینکه گفته می‌شود: کنت شاهاً بالامس و عدت الیوم شیخاً) آن گونه که فخر رازی و بیضاوی احتمال می‌دهند.<sup>۲</sup> بلکه مراد از آن یک روز خاص و به تعبیر ادبی الف و لام آن برای عهد حضوری است. این واژه در این آیه دو بار تکرار شده و هر دو اشاره به یک روز دارد، نه آنکه دو روز مدنظر آیه شریفه باشد. قرآن درباره این روز خاص اوصافی را بیان می‌کند که عبارت‌اند از: «یس الذین کفروا من دینکم»، «اکملت لکم دینکم»، «اتممت علیکم نعمتی»، «رضیت لکم الاسلام دیناً». چون همه این اوصاف مربوط به یک روز مشخص است، باید با یکدیگر پیوند داشته باشند؛ بدین صورت که اکمال دین و اتمام نعمت، موجب یاس کفار و خشونتی خدا از حاکمیت دین اسلام بر جامعه بوده باشد. این روز با این ویژگی‌هایی منحصر به فرد، باید روز حساس و نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار آید و در آن اتفاقی خاص رخ داده باشد که موجب ویژگی‌های چهارگانه مذکور شود.

فریقین درباره زمان نزول این آیه تنها دو قول را مطرح کرده‌اند: نزول آن در حجة الوداع در روز عرفه و نزول آن در غدیرخم؛ پس باید حوادثی که در این دو روز اتفاق افتاده بررسی شود تا مشخص گردد که مقصود در آیه کدام یک از این دو روز است. روایاتی که درباره زمان و مکان نزول این آیه نقل شده نیز دو دسته‌اند: یک دسته زمان نزول را در عرفه و دسته دیگر در غدیرخم می‌دانند. هر دو دسته این روایات در مصادر فریقین یافت می‌شود. در مصادر اهل سنت با سند صحیح و با چند طریق، نزول آیه در روز عرفه (در حجة الوداع) نقل شده است. ابن کثیر در این باره می‌گوید:

نزول آیه اکمال در روز عرفه امری معلوم و قطعی است... در این باره احادیثی متواتر نقل شده که شکی در صحت آنها نیست... قول درست که شک و تردیدی در آن راه ندارد این است که این آیه در روز جمعه در عرفه نازل شده است.<sup>۳</sup>

ادعای ابن کثیر در مورد تواتر روایات درباره نزول آیه در روز عرفه ثابت نیست، چون حداکثر چهار نفر این روایت را نقل کرده‌اند: امام علی (علیه‌السلام)، عمر بن خطاب، ابن عباس و سمره.<sup>۴</sup> بنابراین نمی‌توان از بررسی سندی این روایات چشم پوشید یا ادعای قطعیت صدور کرد، هر چند اهل سنت روایت منقوله از عمر را در صحیحین آورده‌اند.

در مصادر شعبی نیز در تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه‌السلام) چنین نقل شده است: چون رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در روز جمعه در عرفات اقامت کردند، جبرئیل نزد ایشان آمد و گفت: ای محمد! خداوند به تو سلام

منازلات

بزرگشی درباره مفاد آیه اکمال از دیدگاه فریقین

می‌رساند و می‌گوید: با امت خود بگو «*البرم اکملت لکم دینکم*؛ امروز برای شما دینتان را به وسيله ولايت علی بن ابی طالب کامل کردم». «*وأتتمت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دنیا*؛ و نعمتم را بر شما تمام کردم و برای شما اسلام را به عنوان دین پسندیدم و پس از این برای شما چیزی نازل نخواهم کرد».<sup>۵</sup>

مرخوم کلینی نیز با سند خود از ابی‌الجارود از امام باقر (علیه‌السلام) چنین نقل می‌کند: از امام باقر شنیدم که فرمود: خداوند بر بندگانش پنج چیز را واجب کرد. آنان چهار چیز را گرفتند و یکی را رها کردند. گفتیم: آیا آنها را برای من نام می‌برند؟ فرمود: نماز... سپس زکات نازل شد... آن‌گاه روزه نازل شد... سپس حج نازل شد... و آن‌گاه ولايت نازل شد. همانا ولايت در روز جمعه در عرفه برای پیامبر آمد و خداوند چنین نازل کرد: «*البرم اکملت لکم دینکم ورضیت علیکم نعمتی*». پس کمال دین به ولايت علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) است...<sup>۶</sup>

در تفسیر عیاشی حدیث مذکور از جعفر بن محمد الخزاز نقل شده است. وی (مانند سه حدیث دیگر که عیاشی در موارد دیگر از او نقل حدیث می‌کند)<sup>۷</sup> تنها از پدرش به نقل از امام صادق (علیه‌السلام) حدیث نقل می‌کند و فردی مجهول است، یعنی توثیق و تضعیف درباره او نیست.<sup>۸</sup> هر دو سند روایت کلینی نیز ضعیف و متن آن نیز مشوش است.<sup>۹</sup>

دسته دوم این روایات دلالت بر نزول آیه در روز غدیر یا اندکی پس از آن دارد. این روایات در مصادر شیعی با سند صحیح و طرق متعدد نقل شده‌اند.<sup>۱۰</sup> در مصادر اهل سنت نیز از صحابه‌ای که شاهد نزول آیه بوده‌اند، این احادیث روایت شده‌اند. هر چند برخی از اهل سنت آنها را ضعیف دانسته<sup>۱۱</sup> و یا از مفتریات شیعه شناخته‌اند.<sup>۱۲</sup> اما این دیدگاه منهای علمی ندارد؛ چون افرادی که در سلسله سند این روایات آمده‌اند، از نظر رجال شناسان اهل سنت توثیق شده‌اند. به طور نمونه، علامه امینی<sup>۱۳</sup> تک‌تک رجال سندها را بر اساس موازین اهل سنت بررسی و توثیق کرده است. این کثیر - افزون بر حکم به ضعف سند - اشکالی دیگر بر حدیثی از ابوهریره دارد. ابوهریره نزول آیه اکمال را در روز غدیر می‌داند و در ضمن آن به نقل از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به قضیلت روزه در این روز تصریح می‌کند. این کثیر درباره این حدیث می‌گوید:

اگر روزه روز غدیر معادل شصت ماه باشد، مستلزم برتری امر مستحب بر واجب خواهد شد، چون تمام روزه ماه رمضان به اندازه ده ماه

فضیلت دارد؛ چه رسد به روزه یک روز غدیر که امری مستحب است.

بنابراین، این روایت متکثر باطل است.<sup>۱۴</sup> علامه امینی به این اشکال، افزون بر پاسخ نقضی که در مصادر متعدذ اهل سنت از جمله صحیحین است، مانند حدیث: «هرکس در رمضان روزه بگیرد و به دنبال آن شش روز از شوال را روزه بگیرد مانند کسی است که یک دهر روزه گرفته است»،<sup>۱۵</sup> پاسخهای حلی نیز ارائه داده است.<sup>۱۶</sup>

شاید بتوان بین دو دسته روایتی که درباره زمان و مکان نزول آیه اکمال است (نزول در عرفه، نزول در غدیر) جمع کرد و تهافت بین آنها را از میان برد و وجوهی را برای جمع بیان کرد که عبارت‌اند از:

۱. آیه اکمال دو بار نازل شده است: یک بار در عرفه و بار دیگر در غدیر و هر دو مرتبط به اعلان ولايت امام علی (علیه‌السلام) است. برخی از بزرگان فریقین این احتمال را داده‌اند.<sup>۱۷</sup> توضیح اجمالی این مطلب بدین صورت است: پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از توطئه جریان نفاق و تفرقه امت و ارتداد آنان درباره اعلان ولايت امام علی (علیه‌السلام) بیمناک بودند.<sup>۱۸</sup> از این رو حضرت پس از نزول این آیه در حجة الوداع در عرفه، اعلان رسمی ولايت را به تأخیر انداختند و از خداوند تضمین خواستند که در پی آن آیه «*یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک*» نازل شد و در آن تضمین خدا مبنی بر «*والله یمصک من الناس*» اعلان شد. آن‌گاه حضرت در غدیر به طور رسمی ولايت امام علی (علیه‌السلام) را اعلان کردند و پس از آن دوباره آیه اکمال نازل شد. شاهد این وجه جمع حدیثی است که ابن طاووس با سند از احمد بن محمد طبری، معروف به خلیلی، از امام باقر (علیه‌السلام) بدین گونه نقل کرده است:

چون پیامبر خدا در عرفه وقوف کردند، جبرئیل این آیه را نازل کرد و گفت: ای محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) علی را بر خیزان و بر ولايت او بیعت بگیر... پس حضرت از توطئه اهل نفاق و شقاوت که مبادا بین امت تفرقه بسازند یا آنان را به جاهلیت برگردانند، بیمناک شدند، چون از دشمنی و کینه‌توزی عده‌ای در مورد امام علی (علیه‌السلام) باخبر بودند از این رو از جبرئیل تضمین خواستند... تا به غدیر خم رسیدند...<sup>۱۹</sup>

قتال نیشابوری نیز به صورت مرسل مضمون این حدیث را آورده است.<sup>۲۰</sup> زید بن ارقم صحابی نیز که خود شاهد ماجرا بوده، در این زمینه می‌گوید:

مخالفان

بزه‌های درباره معاذ آیه اکمال از دیدگاه فریقین

۷

مخالفان  
بزه‌های درباره معاذ آیه اکمال از دیدگاه فریقین  
۷

جبرئیل روح الامن بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در عصر روز عرفه ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را فرمود آورد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دلنگ شد، چون از تکذیب اهل نفاق و انک پیمناک بودند. از این رو حضرت گروهی را که من نیز در میان آنان بودم فراخواند و در این باره با آنان مشورت کرد تا آن را ابلاغ کند، ما نمی دانستیم در این باره چه بگوییم.<sup>۲۱</sup>

در این احتمال، آیه دو بار نازل شده و هر دو بار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را ابلاغ کرده اند: یک بار در عرفه برای برخی از صحابه که برای استشاره جمع شدند، و یک بار در غدیر به طور رسمی برای عموم مردم.

۲. احتمال دیگر آن است که آیه تنها در عرفه نازل شده و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در عرفه آن را ابلاغ کرده اند و بار دیگر در غدیر نیز ابلاغ شده است.

۳. چون علت نزول آیه با مسئله غدیر و آیه عصمت ارتباط وثیق دارد، علامه طباطبائی نیز احتمال می دهد روز نزول آیه عرفه و روز ابلاغ آن در غدیر باشد.<sup>۲۲</sup>

۴. احتمال دیگری برای وجه جمع می توان داد و آن اینکه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در حجة الوداع و در محل اجتماع عمومی مردم از جمله در مسجد خیف،<sup>۲۳</sup> در روز عرفه،<sup>۲۴</sup> و در غدیر،<sup>۲۵</sup> حدیث ثقلین را اعلان فرموده است. این مطلب ضمن آنکه نشان می دهد یکی از رسالت های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حجة الوداع (افزون بر آموزش مناسک حج)، اتمام حجت بر مردم درباره ثقلین بوده است، آشکار می کند که با اعلان رسمی حدیث ثقلین توسط پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در اجتماع مردم، یأس کفار، اكمال دین، اتمام نعمت و خشوددی خدا از اسلام حاصل آمد. آیه اكمال به همین علت نازل شد و حضرت رسول نیز آن را در همان جا اعلان فرمود. حادثه غدیر نیز در واقع شرح و توضیح پیامبر معظم اسلام (صلی الله علیه و آله) درباره حدیث ثقلین بوده است.

این احتمالات برای جمع دو دسته روایت است. ولی اگر نتوان آنها را جمع کرد، احادیثی که از نزول آیه در عرفه حکایت می کنند (به ویژه آن دسته احادیثی که علت نزول را موردی غیر از ولایت امام علی (علیه السلام) می دانند) به دلیل ضعف های متعدد درون متنی و برون متنی ساقط خواهند بود. برخی از دانشمندان شیعی نیز به تفصیل از این ضعفها پرده برداشته اند.<sup>۲۶</sup>

بررسی علت نزول

در متن روایاتی که در مصادر اهل سنت از نزول این آیه در عرفه خبر می دهد - به جز روایت خلیلی و حسکانی (پیش گفته) که در آن علت نزول را ولایت امام علی (علیه السلام) می دانند - تصریحی به علت نزول آیه نشده است؛ در آنها مشخص نشده چه حادثه ای در عرفه اتفاق افتاد که موجب نزول این آیه و اوصاف مذکور در آن <sup>۲۷</sup> *مُکَرَّمٌ بِهِ* همین دلیل مشهور اهل سنت (که بر این باورند این آیه در عرفه نازل شد) ناگزیر در جست و جوی علت نزول آن، وجوه متعددی را احتمال داده اند.<sup>۲۷</sup> این وجوه از سوی برخی از مفسران شیعی یا برهان سبب و تقسیم مورد نقد قرار گرفته و تمام آنها مخدوش شده است.<sup>۲۸</sup> اما در تمام روایات شیعی، اعم از روایاتی که دلالت بر نزول آیه در عرفه و یا دلالت بر نزول آن در غدیر دارد، علت نزول آیه «اعلان ولایت امام علی (علیه السلام)» است.<sup>۲۹</sup> در متن روایاتی که نزول آیه را در غیر عرفه می دانند و از شاهدان نزول این آیه یعنی صحابه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسیده است، درباره علت نزول این آیه تنها دو امر ذکر شده است. امر نخست «تطهیر خانه خدا از لوث وجود مشرکان» است که از ابن عباس نقل شده است. او می گوید:

فلما نزلت براءة فنفی المشركون عن بيت الحرام وحج المسلمون  
 لا يشاركم في البيت الحرام من المشركين فكان ذلك من تمام النعمة  
 وهو قوله تعالى: «اليرم اكلت لكم دينكم واتمت عليكم نعمتي»  
 چون سوره برانت نازل شد و مشرکان از بيت الحرام رانده شدند، مسلمانان بدون شرکت مشرکان حج گزاردند؛ این از اتمام نعمت است که خداوند در این آیه فرموده است: «امروز برای شما دینتان را کامل کردم و نعمتم را برای شما به اتمام رساندم».<sup>۳۰</sup>

امر دیگر «نصب ولایت امام علی (علیه السلام)» است که از امام علی (علیه السلام)، ابوسعید خدری، زید بن ارقم، ابن عباس و ابوهریره حکایت شده است.<sup>۳۱</sup> علامه امینی و دیگران این احادیث را تا حدودی استقصا کرده اند.<sup>۳۲</sup> بنابراین، در متن آن دسته از روایات اهل سنت نیز که در آن به علت نزول آیه تصریح شده، اعم از روایاتی که نزول آیه را در عرفه یا غیر عرفه می دانند،<sup>۳۳</sup> جز در یک حدیث از ابن عباس، علت نزول آیه اعلان ولایت امام علی (علیه السلام) ذکر شده است. اما در پاسخ حدیثی که تنها از ابن عباس نقل شده و در آن «تطهیر خانه خدا از مشرکان»، علت نزول آیه معرفی شده، می توان گفت: اولاً، احتمال دارد که این روایت در مقام بیان تفسیر آیه یا ذکر یکی از مصادیق اتمام نعمت باشد، نه اینکه علت نزول آیه را بیان کند.

ثانیاً، این حدیث مخالف با قول دیگری است که از ابن عباس گذشت. ثالثاً، این حدیث مخالف با ظاهر آیه است که نشان می‌دهد در آن روز حادثه‌ای اتفاق افتاده که موجب اكمال دین از یک سو و یأس کفار از دین (و نه یأس از مسلمانان) از سوی دیگر شده است. و روشن است که عدم شرکت مشرکان در اعمال حج، موجب اكمال دین و یأس کفار از دین نخواهد بود.

پس از اثبات این امر که آیه اكمال درباره ولایت امام علی (علیه السلام) نازل شده است، می‌گوییم: اولاً، این نزول تأثیری عمیق در معنای «مولى» در حدیث «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» خواهد داشت؛ چون آنچه موجب اكمال دین، اتمام نعمت و یأس کفار از دین می‌شود، تنها اعلان دوستی و وفاداری به امام علی (علیه السلام) نیست، بلکه رخدادی بزرگ نظیر اعلان امامت و پیشوایی امام علی (علیه السلام) خواهد بود.

ثانیاً، اسلامی که مورد رضایت خداست مرتبط با ولایت امام علی (علیه السلام) خواهد شد؛ چون در این آیه می‌فرماید: «...ورضيت لکم الاسلام دیناً...». بنابراین، آنان که از این ولایت سر باز می‌زنند، در متن دینی که مرضی خداست اخلال خواهند کرد. به نظر می‌رسد بخشی از خطبه غدیری به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به همین مطلب اشاره دارد. حضرت می‌فرماید:

خداوند! همانا تو بر من چنین نازل کردی؛ امامت برای علی ولی توست. در آن هنگام که وی را برتری بخشیدی و با امامت او دین بندگانت را کامل کردی و نعمت را بر آنان به اتمام رسانیدی و برای آنان اسلام را به عنوان دین پسندیدی و فرمودی «هر کس غیر از اسلام دینی جست و جو کند از او پذیرفتنی نیست و در آخرت از میانکاران می‌باشد».<sup>۲۲</sup>  
خدا یا تو شاهد باش من پیام تو را رساندم.<sup>۲۳</sup>

در پایان شایسته ذکر است که از نظر شیعه آیه اكمال با آیه تبلیغ (مانده: آیه ۶۷) و آیات ولایت (مانده: ۵۵ و ۵۶) ارتباط وثیق دارد. این مطلب افزون بر آنکه از خود قرآن استفاده می‌شود، احادیث صحیح‌السند در مصادر روایی شیعه نیز بر آن دلالت دارد.<sup>۲۴</sup> این نکته نیز قابل توجه است که برخی از بزرگان شیعه، از آیه اكمال افزون بر مسئله ولایت، مسئله عصمت امام علی (علیه السلام) را نیز استفاده کرده‌اند.<sup>۲۵</sup>

عقبات

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴

پی نوشتها:

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۷۹؛ ابن قتیبہ، المسائل والاجوبه فی الحدیث والتفسیر، ص ۱۶۷.
۲. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۳۷؛ بیضاوی، انوار التنزیل (تفسیر بیضاوی)، ج ۱، ص ۲۵۵.
۳. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۱۳ - ۱۲؛ و نیز نک. همو، البدایة والنہایة، ج ۵، ص ۱۵۵.
۴. ابن کثیر، همان.
۵. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۹، ج ۱۱۰۸.
۶. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵۹، ج ۶.
۷. نک. کتاب التفسیر، ج ۳، ص ۲۷۷.
۸. نک. خوسی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۲۶، رقم ۲۲۹۶.
۹. نک. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۱ - ۲۵۹.
۱۰. کافی، ج ۱، ص ۲۹۲ - ۲۸۹؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۱؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴۷ - ۲۴۳؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۳، ص ۳۶ - ۳۲.
۱۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۱۲؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۹.
۱۲. نک. اوسمی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۲، ص ۹۱.
۱۳. امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۲۶۸ - ۲۹۳.
۱۴. البدایة والنہایة، ج ۵، ص ۱۸۸.
۱۵. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۲۴؛ ابوداؤد، سنن، ج ۲، ص ۳۲۴، ج ۲۴۲۲.
۱۶. نک. الغدیر، ج ۱، ص ۷۰۷ - ۶۹۹.
۱۷. نک. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۰؛ ابن جوزی، تذکرۃ الخواص، ص ۳۷.
۱۸. نک. کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ج ۲۹۲ و ج ۲، ص ۲۶۲؛ کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۶۴، ج ۱۳۱۵؛ صدوق، امالی، مجلس ۵۶، ص ۲۳۵، ج ۱۰؛ ابن طاووس، الیقین، باب ۱۲۷، ص ۳۴۳؛ همو، التحصین، باب ۲۹، ص ۵۸۱.
۱۹. الیقین، باب ۱۲۷، ص ۳۴۴.
۲۰. قتال، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۱۶، ج ۲۰۹.
۲۱. کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۳۰۱، ج ۱۹۹۶؛ و به نقل از وی، حسکائی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۶، ج ۲۶۸.
۲۲. نک. طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۱۹۶.
۲۳. ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۰.
۲۴. ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۶۲۱، ج ۳۷۸۶؛ حموی، قراند السمعین، ص ۲۳۳؛ احمد یعقوبی، تاریخ العقول، ج ۲، ص ۱۱۲.
۲۵. ابن ابی عاصم، کتاب السنه، ص ۶۲۹، ج ۱۵۵۵ - ۱۵۵۱؛ ابن مغزی، مناقب، ص ۱۶ و ۲۳.
۲۶. به طور نمونه نک. الزرن، ج ۵، ص ۱۶۹؛ مرکز المصطفی، آیات الغدیر، ص ۲۸۴ - ۲۶۸؛ مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۶۸ - ۵۵.

عقبات

پژوهشی درباره مفاد آیه اكمال از دیدگاه فریقین

٢٧. به طور نمونه دک. انوار التنزیل، ج ١، ص ٢٥٥؛ الوسی، روح المعانی، ج ٤، ص ٩١ - ٩٠.  
 ٢٨. به طور نمونه دک. المیزان، ج ٥، ص ١٦٩ به بعد.  
 ٢٩. دک. حویزی، نور الثقلین، ج ١، ص ٥٩٠ - ٥٨٧؛ مشهدی، کثر الدقائق، ج ٤، ص ٣٦ - ٣٢.  
 ٣٠. طبری، جامع البیان، ج ٤، ص ١٨١؛ الدر المنثور، ج ٣، ص ١٧ - ١٦.  
 ٣١. دک. التحصین، ص ٥٢٨؛ مناقب، ص ١٩؛ شواهد التنزیل، ج ١، ص ٢٠٠ و ٢٠٨ - ٢٠٧؛ الدر المنثور، ج ٣، ص ١٧ - ١٦؛ واحدی، اسباب نزول القرآن، ص ١٣٥.  
 ٣٢. دک. الغدیر، ج ١، ص ٢٥٨ - ٢٤٧؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ١، ص ٢٢٧ - ٢٢٤.  
 ٣٣. روضة الواعظین، ج ١، ص ٢٢٥؛ التحصین، باب ٢٩، ص ٥٨٢.  
 ٣٤. دک. کافی، ج ١، ص ٢٩٠ - ٢٨٩، ج ٤.  
 ٣٥. علامه حلی، الاثنین الفارق بین الصدق والمین، ص ٣٥٥.

منابع:

١. قرآن کریم.  
 ٢. الوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، تصحیح محمدحسین العرب، دارالفکر، بیروت، ١٣١٧ق.  
 ٣. ابن ابی عاصم، ابوبکر، کتاب السنة، بقلم محمد ناصرالدین الالبانی، المکتب الاسلامی، بیروت.  
 ٤. ابن حجر، احمد، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع والزندقة، تخريج عبدالوهاب عبداللطيف، قاهره.  
 ٥. ابن طاووس، علی، الیقین باختصاص مولانا علی باقر السمرقانی، تحقیق انصاری، قم، دارالکتاب، ١٣١٣ق.  
 ٦. همو، التحصین لاسرار ما زاد من اخبار کتاب الیقین، همان.  
 ٧. ابن قتیبه، عبدالله، المسائل والاجوبة فی الحديث والتفسیر، تحقیق مروان العطیة و محسن خرابیه، دار ابن کثیر، بیروت، ١٣١١ق.  
 ٨. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، بیروت، ١٤٠٢ق.  
 ٩. همو، البداية والنهاية، تحقیق علی نجیب عطوی و دیکران، دارالکتب العلمیة، بیروت، ١٤٠٨ق.  
 ١٠. ابن مغازلی، علی، مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، تحقیق محمدباقر بهبودی، دارالاضواء، بیروت، ١٤٠٣ق.  
 ١١. ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، تعلیق محمد عبدالحمید، دار احیاء السنة النبویة، بیروت.  
 ١٢. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنة والادب، طهران، ١٣٦٦ش.  
 ١٣. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تصحیح زرندی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.  
 ١٤. بیضاوی، عبدالله، انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)، دارالکتب العلمیة، بیروت، ١٤٠٨ق.  
 ١٥. ترمذی، محمد، الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، تحقیق ابراهیم عطوه عوض، دار احیاء التراث العربی، بیروت.  
 ١٦. حسکانی، عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، قم، ١٣١١ق.  
 ١٧. حلی، حسن بن یوسف، الاثنین الفارق بین الصدق والمین، تحقیق و نشر المؤسسة الاسلامیة، قم، ١٣٨١ش.  
 ١٨. حموفی، ابراهیم، فرائد السطین فی فضائل المرتضی والبسمل والسبطین والائمة من ذریعتهم (علیهم السلام)، تحقیق محمدباقر محمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، قم، ١٣١٥ق.  
 ١٩. حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، تصحیح سیدهاشم انصاری، ١٣٤٩ش.  
 ٢٠. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، منشورات آیت الله العظمی خویی، قم، ١٣٠٣ق.  
 ٢١. رازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر (مفاتیح النبیا)، دار احیاء التراث العربی، بیروت.  
 ٢٢. سبط ابن الجوزی، یوسف، تذکرة الخواص، مؤسسة اهل البيت، بیروت، ١٤٠١ق.

مقالات

پژوهشی درباره مفاد آیه اكمال تو ديدگاه فریقین

١٣

طبرستان

سال چهارم - شماره ١٢ - زمستان ١٣٨٤

پژوهشی در زمینه تفاسیر قرآنی

## حسین بن حمدان خصیبی و کتاب «الهدایة الکبری»

دکتر نعمت الله صفری قزوینی

### چکیده

حسین بن حمدان خصیبی از راویان بزرگ معتقد به امامت امامان دوازده گانه در دوره غیبت صغری و سالهای آغازین غیبت کبری است که در عین حال مورد احترام فراوان فرقه نصریه نیز می باشد. او دارای اندیشه های خاصی بوده که وی را از امامیه جدا می ساخته است و لذا رجالیون متقدم او را به شدت تضعیف کرده اند، اما زسوبانی شه چندان اندک از اندیشه های او در جوامع امامیه نفوذ پیدا کرده است. کتاب *الهدایة الکبری* او از آنجا که از قدیمی ترین متون است که با ذکر سلسله اسناد در صدد اثبات امامت و وصایت تک تک ائمه از راه بیان معجزات می باشد، برای ریشه یابی چگونگی نفوذ این اندیشه در میان شیعه امامیه که بعدها با تگارش کتب فراوان و احیاناً حجیم پیگیری شد، می تواند بسیار مفید باشد. علاوه بر آنکه ذکر برخی از وقایع تاریخی مربوط به اختلافات درون گروهی شیعه، ذکر استادی که در متون امامیه کمتر یافت می شود و نیز بیان مطالبی از غالیان که در کتب معتبر روایی امامیه مفقود است، از دیگر جهات اهمیت این کتاب است.

واژه های کلیدی: حسین بن حمدان خصیبی، *الهدایة الکبری*، محمد بن نصیر تمیزی،

بایست، معجزات، نص، نصریه، علویان.

عضو هیئت علمی مدرسه عالی امام خمینی (ره)

۲۳. سبوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۴. صدوق، ابو جعفر محمد، *امالی*، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، منشورات جماعه المدرسین، قم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تحقیق محلاتی و طباطبائی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۲۸. عیاشی، محمد، *کتاب التفسیر*، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، ۱۴۲۱ق.
۲۹. فتال نیشابوری، محمد، *روضه الراعظین*، تحقیق غلامحسین مجیدی و مجتبی کرجی، قم، ۱۴۲۳ق.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر [النسب ال] القمی*، تصحیح سیدطیب جزائری، قم، ۱۴۰۴ق.
۳۱. گلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، طهران، ط الثالثه، ۱۴۲۸ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار، الجامة لدرر الاخبار الائمة الاطهار*، شرکت طبع بحار الانوار، تهران.
۳۳. همو، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل رسول*، ط الثالثه، طهران، ۱۴۲۳ق.
۳۴. مؤکرم المصطفی، *آیات الغدیر*، مرکز المصطفی للدراسات الاسلامیه، قم، ۱۴۱۹ق.
۳۵. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق محمد ذؤاد عبدالباقی، بیروت.
۳۶. مشهدی، محمد رضا، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، طهران، ۱۴۱۱ق.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، *آیات ولایت در قرآن*، تنظیم ابوالقاسم علیان، نسل جوان، قم، ۱۳۸۱ق.
۳۸. واحدی، علی، *اسباب نزول القرآن*، تحقیق کمال زغالول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۳۹. یعقوبی، احمد، *تاریخ الیقرنی*، دار صادر، بیروت.